

گذری بر شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی

هادی سعیدی رضوانی* - استادیار دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۰۷/۲۶

چکیده

اندیشه شهر عادلانه در نزد متفکران شهرسازی در بیشتر دهه‌های قرن بیستم به طور عمده در انحصار صاحب‌نظران سوسیالیستی بود که از نظام‌های کمونیستی حمایت می‌کردند، اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد با وارد شدن ترک‌های عمیق نظری و عملی بر پیکره پرطمطراق بلوک شرق و ارائه جایگزین‌های نظری در میان فلاسفه بلوک غرب، اندیشه شهر عدالت‌محور به جریان اصلی نظریه‌پردازی شهرسازی راه یافت. اکنون در قرن بیست‌ویکم این موضوع یکی از جذاب‌ترین مقوله‌های مورد توجه متفکران شهرسازی است. از طرف دیگر برشمردن ویژگی‌های جامعه و شهری عادلانه در نزد اندیشمندان اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت پیشینه‌ای محکم دارد. مقاله حاضر کوشیده است با بررسی آرای مهم‌ترین متفکران حوزه شهر عدالت‌محور در میان نظریه‌پردازان شهرسازی و نیز مطالعه متون اصلی اسلامی در خصوص عدالت، معیارهای تحقق شهری عادلانه را در نزد هر دو نحله فکری بازشناسی کرده و سپس به مقایسه آن‌ها با یکدیگر و ترسیم نقاط اشتراک و افتراق دست یابد. در این میان معیارهای «رفاه مادی»، «تنوع قومی، نژادی، مذهبی»، «حفظ محیط زیست»، «مشارکت عمومی» و «همه‌شمولی» به عنوان مهم‌ترین معیارهای مشترک و معیارهای «سرپرستی پرهیزگاران»، «اعتدال در ارتباط با خدا» و «حفظ کرامت انسان‌ها» از معیارهای مختص آموزه‌های اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: شهر، عدالت، برابری، محیط‌زیست، قرآن، حدیث.

مقدمه

شهر و جامعه عدالت‌محور از دیرباز یکی از محوری‌ترین موضوعات هر نوع ایده‌پردازی و تفکر در حوزه‌های اندیشه اسلامی بوده است. از طرف دیگر ساخت شهری عادلانه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران حوزه برنامه‌ریزی شهری از ابتدای شکل‌گیری این علم بوده است. در بیشتر دهه‌های قرن بیستم میلادی توجه به عدالت از دریچه نگاه متفکران سوسیالیستی بود که عمدتاً در جبهه سیاسی بلوک شرق قرار می‌گرفتند، اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد با انتشار کتاب اثرگذار جان رالز با عنوان نظریه عدالت، توجه به عدالت فارغ از موضع‌گیری‌های اخلاقی و سیاسی وارد جریان اصلی نظریه‌پردازی غرب گردید. اندیشه شهر عدالت‌محور نیز به تبع آبخورهای فلسفی‌اش در قرن بیستم تا دهه ۱۹۸۰ متکی بر رویکردهای سوسیالیستی بود ولی پس از آن در جریان اصلی نظریه شهرسازی که عمدتاً مبتنی بر رویکردهای فردگرایانه است اندیشه‌پردازی درباره آن آغاز شد.

مقاله حاضر می‌کوشد با مطالعه اندیشه‌های معطوف به عدالت در نظریه‌های شهرسازی به چارچوبی فراگیر از ابعاد و معیارهای شهر عدالت‌محور در نزد برجسته‌ترین متفکران این حوزه دست یافته و سپس با تأمل در مهم‌ترین منابع آموزه‌های اسلامی (قرآن و حدیث)، رهنمودهای آن را در ارتباط با پی‌ریزی جامعه و شهری عادلانه استنباط نماید. در نهایت نسبت این دو دیدگاه با یکدیگر ترسیم گردیده و مقایسه‌ای از تشریح عدالت در نزد هریک از آن‌ها باهم صورت می‌پذیرد. از این‌رو مهم‌ترین پرسش‌هایی که این مقاله در جست‌وجوی پاسخ آن‌هاست عبارت‌اند از:

۱. شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۲. برای جامعه و شهر عادلانه در آموزه‌های اسلامی چه مشخصاتی ذکر گردیده است؟
۳. چه نسبتی میان شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی وجود دارد و تا چه حد میان این دو اشتراک و افتراق وجود دارد؟

روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله روش اسنادی و کتابخانه‌ای^۱ است و با رویکرد تطبیقی به مقایسه بین آرای دو منبع فکری مختلف (نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی) در ارتباط با موضوعی واحد (شهر

^۱. Documentary method

عادلانه) می‌پردازد.

شهر عادلانه در نزد متفکران شهرسازی

گونه‌شناسی نظریه‌های شهری معطوف به عدالت

نظریه‌های شهری معطوف به عدالت از تنوع و گوناگونی فراوانی برخوردارند، از این رو ضروری است به منظور درک دقیق‌تر این نظریه‌ها و تشخیص روشن‌تر تمایز آن‌ها با هم یک گونه‌شناسی کلی از این نظریه‌ها صورت پذیرد تا مقایسه این تفکرات با یکدیگر تسهیل گردد. با بررسی جهت‌گیری‌های فکری نظریه‌های شهری مرتبط با عدالت می‌توان دریافت سه گونه اصلی از یکدیگر قابل تمایزند:

اندیشه‌های چپ‌گرا: مبتنی بر تفکرات مارکس بوده و اندیشه سوسیالیسم را به عنوان شیوه کارآمد رسیدن به عدالت در فضای شهری می‌پذیرند و بر این باورند که نظام سرمایه‌داری ذاتاً ناعادلانه بوده و قابل اصلاح نیست لذا باید نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیگری جایگزین آن گردد که متکی بر توجه به جامعه و اقتصاد و برنامه‌ریزی سوسیالیستی باشد. این اندیشه‌ها اصالت را به جامعه می‌دهند نه به فرد.

اندیشه‌های راست‌گرا: مبتنی بر اندیشه فردگرای لیبرالی بوده و با این که ممکن است به نظام اقتصادی و سیاسی موجود غرب انتقادهایی داشته باشند اما در کل نظام سرمایه‌داری را به عنوان ساختار اساسی جامعه می‌پذیرند و بر این باورند که می‌توان با رفع کاستی‌های موجود در همین نظام، به شرایطی عادلانه‌تر دست یافت. این اندیشه‌ها اصالت را به فرد می‌دهند نه به جامعه.

اندیشه‌های پسامدرن: اغلب ملهم از آثار نظریه انتقادی و فلسفه‌های پسامدرن بوده و انتقادهایی اساسی به نظام حاکم سرمایه‌داری وارد می‌سازند اما مانند چپ‌گرایان به انقلاب و به هم زدن کل ساختار جامعه سرمایه‌داری لیبرال اعتقادی ندارند بلکه به اصلاحات ساختاری و تغییر نگرش به جهان نظر دارند. نقطه محوری اندیشه‌های پسامدرن، مخالفت با شیوه تفکر اثباتی و مقابله با مرجعیت در همه شئون فکری، اجتماعی و اقتصادی است. اندیشه‌های پست‌مدرن به آزادی اصالت می‌دهند. در ادامه دیدگاه‌های متفکران مختلف در دسته‌بندی سه‌گانه فوق ارائه می‌گردد.

دیدگاه‌های شهری چپ‌گرا به عدالت

چپ‌گرایان^۱ برنامه‌ریزی را به خاطر جانب‌داری طبقاتی (Gans, 1968; Harvey, 1978)، خصوصیت ضد مردم‌سالارانه (Davidoff and Reiner, 1962; Yiftachel, 1998; Purcell, 2008) و نیز شکستش در لحاظ کردن تفاوت‌ها (Thomas, 1996) مورد حمله قرار داده‌اند.

دیوید هاروی (Harvey, 1996: 332) با این امر موافق است که عدالت، آن‌گونه که در قانون دولت‌های سرمایه‌داری بیان شده بازتاب منافع طبقه حاکم است؛ اما باور ندارد که واژه عدالت بتواند نیروی بسیج‌کننده قدرتمندی را برای کنش سیاسی خلق کند.^۲ او تصور هر مفهومی از عدالت را فارغ از زمان و مکان اشتباه می‌داند ولی معتقد است که هرکس می‌تواند ایده‌آل آرمان‌شهری خود را از روابط اجتماعی بسازد، هرچند با ساخت ایده‌آل آرمان‌شهری از فرم فضایی مخالف است. هاروی بر این نظر است که چنین ایده‌آلی [از روابط اجتماعی] نمی‌تواند از طریق تعامل ارتباطی حاصل شود،^۳ بلکه باید از طریق دگرگونی ساختار طبقاتی جامعه انجام پذیرد که وابسته به ایجاد آگاهی انقلابی میان استثمارشوندگان است.

در این بخش به مرور اندیشه‌های متفکران شهری چپ‌گرا و در رأس آن‌ها «دیوید هاروی» می‌پردازیم.

دیوید هاروی

هاروی به پیروی از رانسیمین^۴ معتقد است که ماهیت عدالت اجتماعی را می‌توان به کمک سه معیاری بیان کرد که در بخش اصول عام عدالت مطرح شد: ۱. معیار نیاز به (عنوان مهم‌ترین آن‌ها)؛ ۲. منفعت عمومی و ۳. استحقاق (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۱).

نیاز

نیاز مفهومی نسبی است. نیازهای انسانی ثابت نیستند و به موازات تحول جامعه و تغییر در آگاهی‌ها و شعور افراد، تحول می‌یابند. با این حال نیاز را می‌توان بر حسب چند مقوله مختلف فعالیت تعریف کرد. این مقولات کم‌وبیش ثابت‌اند. در اینجا می‌توان حداقل به ۹ مقوله اشاره کرد: ۱. خوراک؛ ۲. مسکن؛ ۳. خدمات بهداشتی؛ ۴. تحصیلات؛ ۵. خدمات اجتماعی و خدمات مربوط به محیط‌زیست؛ ۶. کالاهای مصرفی؛ ۷. تأسیسات تفریحی؛ ۸.

1. The lefts

۲. مراد هاروی از به‌کارگیری واژه «عدالت» چیزی بیش از عدالت اقتصادی است. او برای روابط اقتصادی در حذف سمگری‌ها جایگاهی بنیادی قائل است.

۳. به این ترتیب او آشکارا نظریه هابرماس را رد می‌کند.

4. Runciman

دل‌پذیری محله و ۹. وسایل حمل‌ونقل (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۲).

کمک به مصالح عمومی

در اینجا مسئله اصلی این است که تخصیص منابع به یک منطقه چگونه در وضع سایر مناطق تأثیر می‌گذارد. کاربرد مفهوم مصالح عمومی مستلزم آن است که با استفاده از تکنولوژی موجود (روش‌هایی چون تحلیل ضریب فزاینده‌ی بین منطقه‌ای،^۱ قطب‌های رشد و اثرات خارجی تکنولوژی) مسائلی چون انتقال درآمدهای بین منطقه‌ای، تأثیرات گسترده فضایی و مانند آن‌ها را بهتر بشناسیم، زیرا نتایج عملی یا بالقوه‌ای در توزیع درآمد در جامعه دارند (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۷).

استحقاق

اگر در جایی احتیاج به تأسیسات خاصی باشد (مثلاً پناهگاه برای مقابله با گردباد)، باید منابع بیشتری برای مقابله با حوادث به آن منطقه اختصاص یابد. براساس تعریفی که از عدالت اجتماعی کردیم تنها زمانی حق داریم منابع اضافی را برای ساخت پناهگاه صرف کنیم که این تسهیلات به مصالح عمومی یاری رساند. اگر مردم در ناحیه‌ای سیل‌خیز زندگی می‌کنند، حال آن که مجبور به این کار نباشند و زندگی در آنجا به مصالح عمومی یاری نمی‌رساند، آن وقت با تکیه بر اصول عدالت اجتماعی، نباید جبران خسارت وارده به این منطقه را امری عادلانه به حساب آورد اما اگر افراد ناچار به زندگی در آنجا باشند، آنگاه معیار اول یعنی «نیاز» برای توجیه جبران خسارت می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۸). وی همچنین دو ضابطه را برای دستیابی به عدالت اجتماعی در سطح منطقه ارائه می‌دهد:

۱. توزیع درآمد: باید به طریقی باشد که الف) نیازهای جمعیت هر منطقه برآورده شود؛ ب) تخصیص منابع به طریقی صورت گیرد که ضرایب فزاینده‌ی بین منطقه‌ای به حداکثر برسد و ج) تخصیص منابع اضافی به طریقی باشد که در رفع مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی مؤثر واقع شود.
۲. سازوکارها (نهادی، سازمانی، سیاسی و اقتصادی): باید به طریقی باشد که دورنمای زندگی در محروم‌ترین مناطق تا حد امکان بهتر شود.

¹. interregional multiplier

بازارهای آزاد لزوماً منصفانه نیستند. هیچ چیز نابرابرتر از برخورد برابر با نابرابرها نیست. این همان چیزی است که بازار انجام می‌دهد. از طریق مساوات‌طلبی در مبادلات، اغنیا ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند. تعجبی ندارد که کسانی که دارای ثروت و قدرت هستند از این حقوق پشتیبانی می‌کنند. شکاف طبقاتی افزایش می‌یابد و گتوهای شهری گسترش می‌یابند.

دیدگاه‌های شهری راست‌گرا به عدالت

راست‌گرایان برنامه‌ریزی را نفی‌کننده آزادی (Hayek, 1944) و ایجادکننده ناکارآمدی (Anderson, 1964) دانسته و بازارها را به عنوان مکان‌های مناسبی برای اختصاص فضای شهری به آن‌ها در نظر می‌گیرند (Klosterman, 1985). در اینجا منظور از راست‌گرایان پیروان تفکر لیبرالیسم است که دفاع از آزادی‌های فردی، احترام به مالکیت خصوصی، مردم‌سالاری، تکثر فرهنگی، اعتقاد به نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد از مشخصه‌های مشترک اندیشه آن‌هاست. در کل متفکرانی که در این جرگه جای می‌گیرند با وجود انتقادهایی که به برخی زوایای ناعادلانه نظام موجود لیبرال دموکراسی و نظام بازار آزاد دارند، اما آن را ذاتاً ناعادلانه ندانسته و معتقدند که می‌توان این نظام را به نحوی اصلاح کرد که نتایج عادلانه‌تری حاصل شود.

اندیشه فایده‌گرایی^۱

نظریه قراردادی دولت، اصول دولت مردم‌سالاری را ارائه می‌دهد که از حقوق افراد حفاظت می‌کند و پایه سنت لیبرال در نظریه سیاسی است. اندیشه فایده‌گرایی آن‌گونه که در ابتدا توسط جرمی بنتام مطرح و توسط جان استوارت میل تشریح شد در چارچوب سنت لیبرالی راهنمایی را برای تصمیم‌گیری توسط دولت‌ها ارائه کرد. فایده‌گرایی، آرمان برابری را از طریق ارائه مفهوم «مصلحت عمومی»^۲ در نظام فکری لیبرال گنجانده. مصلحت عمومی به عنوان استاندارد مناسب برای ارزیابی سیاست‌ها در نظر گرفته می‌شود و چیزی است که بیشترین خیر را نصیب بیشترین تعداد افراد می‌کند.

در چارچوب اندیشه فایده‌گرایی برابری به معنای نفع‌رسانی به اکثریت است. در بستر اجتماعی اروپای قرن هجده و نوزده این اندیشه حرکتی مترقی در نظریه مردم‌سالاری بر پایه اکثریت انتخاباتی^۳ بود و رویکرد عقلانی

1. Utilitarianism

2. Public interest

3. Electoral majorities

را در برآورده کردن خواسته‌های مردم سالارانه وارد می‌کرد. فایده‌گرایی این قابلیت را داراست که رابطه بین ابزارها و مقاصد را محاسبه کند، ارزش و منافع آتی را نشان دهد و سپس سرجمع میزان رضایت را از انجام مجموعه‌ای از اقدامات بسنجد (Fainstein, 2010: 38).

همان‌گونه که رالز بیان می‌کند: «ویژگی بارز دیدگاه فایده‌گرایی نسبت به عدالت این است که اهمیتی نمی‌دهد مجموع این رضایت‌ها چگونه بین افراد مختلف جامعه توزیع شده است» (Rawls, 1971: 26)؛ بنابراین در مورد برنامه‌های توسعه مجدد شهری^۱ مطابق دیدگاه فایده‌گرایی تا وقتی مبلغی برای جبران خسارت به افراد پرداخت می‌شود، اهمیتی ندارد که برخی از آن‌ها خانه‌های خود را از دست بدهند. این به معنای آن است که در مورد مسکن ملکی^۲ براساس ارزش [کنونی] آنچه از دست رفته است، غرامت پرداخت می‌شود نه براساس ارزش جایگزینی [آن چه از دست رفته]. برای آسیب‌های عاطفی نیز هیچ غرامتی پرداخت نمی‌شود (Fullilove, 2004).

جان فریدمن

جان فریدمن نیز در کتاب دورنمای شهرها به نیاز برای یک دیدگاه آرمان‌شهری تأکید می‌کند و می‌گوید: «تفکر آرمان‌شهری دو رو دارد که به طرز تفکیک‌ناپذیری به هم پیوسته‌اند: دیدگاه انتقادی و دیدگاه سازنده. [مراد از دیدگاه انتقادی] نقد به وجوه مشخصی از شرایط موجود مانند: بی‌عدالتی، ظلم و ستم، تخریب محیط‌زیست و جرایم اخلاقی [است]. اگر بخواهیم بی‌عدالتی از جامعه ما رخت بربندد، باید تصویر ملموسی از آرمان‌شهر در ذهنمان داشته باشیم تا بدانیم چگونه مرحله به مرحله و به تدریج به ساختن جهانی عادلانه‌تر نزدیک شویم.» وی معتقد است «انزجار اخلاقی از بی‌عدالتی نشانگر آن است که همه ما درکی هرچند گنگ از عدالت داریم. اگر بنا باشد بی‌عدالتی اصلاح شود ما به تصاویری عینی از تفکر آرمان‌شهرگرایانه^۳ نیازمندیم تا گام‌هایی که برای اندکی نزدیک‌تر شدن به جهانی عادلانه‌تر باید برداشته شود را به ما نشان دهد.» (Freidman, 2002: 104).

¹. Urban redevelopment program

². Owner-value housing

³. Concrete imagery of utopian thinking

سوزان فاینستاین

فاینستاین پس از مجادلات فلسفی و تجربی متعدد و بررسی گونه‌های مختلف آرای مرتبط با عدالت در شهر به این نتیجه می‌رسد که معیارهای اصلی شهر عدالت‌محور عبارت‌اند از: ۱. برابری؛ ۲. مردم‌سالاری و ۳. تنوع. وی شهرهای مورد مطالعه‌اش را براساس این معیارهای سه‌گانه مورد مقایسه قرار داده است.

برابری

فاینستاین در ارائه استاندارد برای ارزیابی سیاست‌گذاری عمومی، واژه «برابری»^۱ را به جای «مساوات»^۲ برمی‌گزیند. برابری آن‌گونه که مدنظر اوست به توزیع منافع مادی و غیرمادی منتج از سیاست‌های عمومی نظر دارد. علاوه بر این برابری به معنای آن است که با هر فردی باید به گونه مناسبی رفتار کرد نه این که با همه یکسان برخورد نمود (Fainstein, 2010: 35, 36).

از نظر فاینستاین دلایلی برای ترجیح دادن واژه برابری به مساوات وجود دارد. مساوات برای این که بتواند در بستر شهرهای [جهان] سرمایه‌داری، به عنوان هدفی قابل قبول پذیرفته شود، بسیار پیچیده، توان‌فرسا و غیرواقع‌بینانه^۳ است. این واژه به عنوان جاذب تمام اعتراض‌ها به امتیازاتی که به شایسته‌ترین افراد تعلق می‌گیرد،^۴ پرسش‌ها درباره حذف مشوق‌ها، موازنه بین رشد و مساوات و غیرمنصفانه بودن مجازات تمام افرادی که بالاتر از میانه [اقتصادی جامعه] هستند به نام دستیابی به خیر بزرگ‌تر عمل می‌کند (Fainstein, 2010: 36). از آن جا که اثرات سیاست‌های عادلانه‌تر در شهرها، هیچگاه برای تغییر یکباره [منحنی] توزیع درآمد کافی نیست، نیازی به نوعی هدف‌گذاری محکوم به شکست نیست. هدف فاینستاین در توسعه مفهوم «شهر عدالت‌محور» ارائه یک استاندارد ارزیابی برای قضاوت درباره سیاست‌های شهری و بیان اهداف جنبش‌های شهری است.

مردم‌سالاری

مشارکت شهروندان در تصمیمات عمومی بخشی از آرمان شهر عدالت‌محور است؛ چراکه مشارکت فی‌نفسه

1. Equity

2. Equality

3. Too complex, demanding, and unrealistic

4. Rewards to the most deserving

هدفی ارزشمند است و نیز استبداد صالح^۱ نامحتمل است. در عین حال مردم‌سالاری مجموعه‌ای از مسائل پردردسر را پیش می‌کشد که از لحاظ نظری هیچ‌گاه حل نشده و تنها در شرایط خاصی قابل ارائه‌اند. کثرت‌گرایی مردم‌سالارانه^۲ به واسطه تأکید بر مصالحه و فرایند گروهی^۳ امکان اندکی برای گریز از تسلط گروه‌های برخوردار از منابع سازمانی و مالی باقی می‌گذارد. قاعده مردم‌سالاری می‌تواند اقلیت‌ها را از امرار معاش، آزادی یا ابراز وجود^۴ محروم سازد. نظریه کلاسیک مردم‌سالاری از طریق اعطای حقوقی به گروه‌های اقلیت که توسط هیچ‌کس از جمله گروه‌های اکثریت نقض‌شدنی نیستند، با این مسئله مواجه می‌شود اما تکلیف گروه‌های اقلیتی که به دنبال دستیابی به حق تصرف قدرت سیاسی و ستاندن حقوق دیگران تحت لوای اقتدار مذهبی یا برتری نژادی‌اند، چیست؟ اصول مردم‌سالاری در مقابل شبه‌نظامیان راست‌گرا،^۵ جزم‌گرایان مذهبی و معتقدان به خلوص نژادی، به‌سادگی به زانو درمی‌آید (Fainstein, 2000: 469) بنابراین معیار مناسب برای ارزیابی ادعاهای یک گروه، فقط قواعد رویه‌ای مردم‌سالاری نیست، این ارزیابی باید دربردارنده بررسی این موضوع باشد که آیا تحقق اهداف گروه ممکن است یا نه و اگر ممکن است آیا تحقق این اهداف، به اصل عدالت اجتماعی لطمه می‌زند یا نه. مردم‌سالاری، مطلوب است اما نه همیشه.

تنوع

تنوع آن‌گونه که توسط شهرسازان به کار برده می‌شود، دارای معانی گوناگونی است. در بین طراحان شهری تنوع برای ارجاع به گونه‌های مختلط مسکن به کار برده می‌شود. در بین برنامه‌ریزان [شهری] تنوع به معنای کاربری‌های مختلط یا ناهمگونی طبقاتی و قومی - نژادی در توسعه مسکن یا فضایی عمومی است. برای جامعه‌شناسان و تحلیلگران فرهنگی نیز تنوع با آنچه برای برنامه‌ریزان ذکر شد معنایی مشابه دارد. ریچارد فلوریدا^۶ بر این باور است که تنوع شهری، محرک خلاقیت است که خود موجب رشد اقتصادی می‌گردد (Florida, 2002: 30). هرچه به سمت پایان قرن بیستم حرکت کنیم، موضوع مطرح در میان

1. Benevolent authoritarianism

2. Democratic pluralism

3. Group process and compromise

4. Self-expression

5. Right-wing militias

6. Richard Florida

فلاسفه تحت عنوان «به رسمیت شناسی دیگران»^۱ به موضوع «تنوع» در برنامه‌ریزی نزدیک می‌شود. نظریه‌پرداز برنامه‌ریزی *لئونی سندراکاک* شهر ایده‌آل خود را «کیهان شهر»^۲ می‌خواند (Sandercock, 2003, 1998). وی همانند *آیریس ماریون یانگ*، به رسمیت شناسی دیگران را به عدالت پیوند می‌زند. او *مادرشهری*^۳ را توصیف می‌کند که به مردمان از پس‌زمینه‌های متنوع قومی و نژادی اجازه می‌دهد حقوق برابری در بهره‌مندی از فضای شهری^۴ داشته باشند، خواهان تکرر مردم بوده و بهره‌گیری از لذت گمنامی^۵ را تسهیل می‌کند (Sandercock, 1998).

به رسمیت شناسی^۶، آن‌گونه که مدنظر فاینستاین است، از نظر تحلیلی با آنچه بازتوزیع خوانده می‌شود متفاوت است و باید به عنوان مؤلفه‌ای جداگانه در شهر عدالت‌محور مورد توجه قرار گیرد. در برنامه‌ریزی، به رسمیت شناسی مستلزم توجه خاص به ایجاد و اداره فضای عمومی است، اما الزاماً به معنای امکان استفاده از همه فضاها در همه ساعات روز و برای همگان نیست.

دیدگاه‌های شهری پسامدرن به عدالت

به غیر از دیدگاه‌های مارکسیستی و لیبرال به عدالت، برخی اندیشمندان بر مبنای انتقاد اساسی از مبانی مدرنیسم و از منظر پسامدرنیسم به عدالت در بستر شهرها نظر افکنده‌اند. وجه مشترک این متفکران انتقاد اساسی از فردگرایی لیبرالیسم و مبانی صرفاً محاسبه‌گرانه و عقلانی مدرنیسم در برنامه‌ریزی، توجه به نقش تفاوت‌های فرهنگی و اقلیت‌ها در برنامه‌ریزی جهت عادلانه‌تر کردن فضاهای شهری و اعتقاد به مردم‌سالاری همه‌شمول است. در این بخش برخی از پرنفوذترین این دیدگاه‌ها مطرح می‌گردد.

هنری لوفور

هنری لوفور همانند *آیریس ماریون یانگ* فیلسوفی است که به‌وضوح خود را درگیر *شهرگرایی*^۷ نموده است. وی برای نخستین بار مفهوم حق بر شهر^۸ را در سال ۱۹۶۸ بیان کرد که از آن زمان تا کنون نه‌تنها در بین

1. Recognition of the other
 2. Cosmopolis
 3. Describes a metropolis
 4. City space
 5. The pleasure of anonymity
 6. Recognition
 7. Urbanism
 8. The right to the city

نظریه‌پردازان به‌وفور مورد ارجاع قرار گرفته بلکه در عرصه عمل نیز جنبش‌های اجتماعی متعددی را در بسیاری کشورها برانگیخته است. در مورد جنبش عدالت‌خواهی حق بر شهر در بخش «جنبش‌های شهری عدالت‌خواهانه» به طور تفصیلی توضیح داده می‌شود. در اینجا تنها به ابعاد و ویژگی‌های نظری حق بر شهر از دیدگاه لوفور پرداخته خواهد شد.

بحث وی در مورد حق بر شهر از مبارزه برعلیه خصوصی‌سازی فضاهای عمومی و حفظ ناهمگنی در نواحی مادرشهری حمایت می‌کند (Lefebvre, 1996; Mitchell, 2003). حق بر شهر از نظر این که شامل چه چیزهایی می‌شود و نیز از نظر این که منظور از شهر چیست، فاقد صراحت^۱ است. درعین حال این مفهوم به خاطر توجه صریح به فضا به عنوان متغیری که در بیشتر نوشته‌های فلسفی به آن پرداخته نمی‌شود، برای نظریه‌پردازان شهری مفید است (Fainstein, 2009: 27).

لوفور (۱۹۹۳: ۴۳۵) می‌نویسد، «حق بر شهر را نمی‌توان یک حق دیدار ساده^۲ یا بازگشت به شهر سنتی در نظر گرفت. حق بر شهر تنها می‌تواند به عنوان حق «بهره‌مندی» از «زندگی شهری»^۳ البته به گونه‌ای تغییرشکل یافته و نوشته، صورت‌بندی شود. این حق صرفاً حق صاحبان دارایی نیست بلکه حق تمام کسانی است که در شهر زندگی می‌کنند بنابراین حق بر شهر به معنی یک شهر «تمیز» و زیبا که «شهروندان خوب» با هم در خیابان‌های آن قدم زده، در پارک‌های زیبای آن جمع شده و تا ابد با خوشحالی در آنجا زندگی می‌کنند، نیست» (Lefebvre, 1993: 435). وی استدلال می‌کند: «حق بر شهر تقابل‌ها و مبارزه‌ها^۴ را از بین نمی‌برد. بلکه برعکس آن‌ها را تشدید می‌کند» (Lefebvre, 1996: 195).

حق بر شهر نه تنها بر مشارکت شهروندان در زندگی اجتماعی شهری دلالت دارد بلکه مهم‌تر از آن به معنی مشارکت فعال در زندگی سیاسی، مدیریت و اداره شهر است. لوفور بیان می‌کند که دستیابی به این حقوق با تغییر شکل جامعه از نظر زمانی و فضایی همراه است. این زندگی سیاسی شهری است که باید تغییر کند نه شهر به خودی خود. به عبارت دیگر حق بر شهر ابدأ حقی نیست که از بالا به افراد داده شود بلکه راهی است که از طریق آن می‌توان به طور فعال و دسته‌جمعی با زندگی سیاسی شهر ارتباط داشت. آنگاه شهر از «یک جامعه

1. Lacks specificity

2. Simple visiting right

3. Right to urban life

4. Confrontations and struggles

مدنی تشکیل خواهد شد که نه بر امور انتزاعی بلکه بر فضا و زمان بنا نهاده شده است» (Lefebvre, 1986: 173). بنابراین حق بر شهر صرفاً حق مشارکت نبوده بلکه مهم‌تر از آن حقی «توانمندساز»^۱ است که باید از طریق مبارزه سیاسی تعریف و تصحیح شود. حق بر شهر نه تنها حق فضای شهری بلکه حق فضای سیاسی است و شهر را یک فضای سیاسی در نظر می‌گیرد. از این لحاظ شهروندی به وضعیت قانونی ارجاع نمی‌دهد بلکه به گونه‌ای از شناسایی شهر به عنوان یک هویت سیاسی اشاره دارد. ساخت این هویت از طریق مبارزه سیاسی توسط حق دیگری امکان‌پذیر می‌شود که حق متفاوت بودن نام دارد.

آیریس ماریون یانگ

یانگ فیلسوفی است که شهر را به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی فکری خود قلمداد کرده است و کوشیده است رهنمودهایی در این زمینه ارائه دهد. اندیشه‌های وی در بین نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی نفوذ فراوانی یافته است. دیدگاه آیریس ماریون یانگ درباره عدالت اجتماعی به عنوان شرایطی نهادی شکل گرفته است که ۱. زمینه مشارکت را فراهم می‌کند؛^۲ ۲. با ظلم مقابله می‌کند؛^۳ ۳. از طریق دستاوردهای توسعه درونی^۴ و خودمختاری^۵ بر امور مسلط می‌شود (Cardoso and Va'zquez, 2007: 384).

آیریس ماریون یانگ تحلیلش را به جای افراد با مؤسسات اجتماعی آغاز می‌کند. او به خصوص به اموری چون رابطه بین تنوع و مساوات، تجارب فرهنگی متمایز و تغییرات اجتماعی و نیز تفاوت و یکپارچگی می‌پردازد. او در کتاب *همه‌شمولی و مردم‌سالاری*^۶ این‌گونه بیان می‌کند که مردم‌سالاری بیشتر، مساوات بیشتری را ایجاد می‌کند ولی از نظر وی مفهوم مردم‌سالاری شورایی به آن‌گونه‌ای که معمولاً بیان می‌شود در *جوامع توده‌ای*^۷ غیرعملی، بسیار زمان‌گیر و نیازمند تعاملات رودررو است (Young, 2000). اگرچه روشن نیست چرا رویکرد او که تضادها و تردیدها را قبول دارد، از نظر رسیدن به نتایج محتوایی مطلوب، کاربردی‌تر است. در واقع رویکرد او کمی با رویکرد *هابرماس* که او نیز از مردم‌سالاری غیرمتمرکز^۸ سخن می‌گوید، متفاوت است.

1. An enabling right

2. Enables participation

3. Overcomes oppression

4. Self-development

5. Self-determination

6. Inclusion and Democracy

7. Mass societies

8. Decentered democracy

یانگ همبستگی زندگی و نیز حق خودمختاری را به رسمیت شناخته و موافق شرایطی است که می‌تواند ارتباطات مردم‌سالارانه فراگیری را علی‌رغم نابرابری ساختاری و تفاوت فرهنگی خلق نماید. یانگ این رویکرد را «نظریه مردم‌سالارانه برای شرایط ناعادلانه» می‌خواند، نظریه‌ای که «شرایط نهادی را برای ارتقای توسعه درونی و عزت نفس اعضای جامعه» برقرار می‌نماید.

لئون سندرکاک

نظریه‌پرداز برنامه‌ریزی لئون سندرکاک^۱ شهر ایده‌آل خود را کیهان شهر می‌خواند. او تنوع شهری را به عنوان پایه‌ای برای یک شهر عدالت‌محور می‌داند و مادرشهری را توصیف می‌کند که به افرادی با پس‌زمینه‌های قومی و نژادی گوناگون حقوق برابری در شهر عطا می‌کند. وی از کثرت و گوناگونی ساکنان شهر استقبال می‌کند و به افراد اجازه می‌دهد از «لذت گمنامی»^۲ بهره‌مند شوند (Fainstein, 2005: 5).

سندرکاک در کتاب به سوی کیهان شهر^۳ شهر عدالت‌محور را شهری می‌داند که از نظر اجتماعی همه‌شمول است و جایی است که نه تنها تفاوت‌ها تحمل می‌شود بلکه رسمیت یافته و محترم شمرده می‌شوند. او سپس اظهار می‌دارد که علاقه‌مند است «نظریه شهرسازی را با سایر گفتمان‌های نظری - به ویژه مباحثی پیرامون حاشیه‌گزینی،^۴ هویت، تفاوت‌ها و عدالت اجتماعی در شهر - ارتباط دهد، زیرا کلیه این مباحث منجر به توانمندسازی گروه‌هایی می‌شوند که صدای آن‌ها معمولاً توسط شهرسازان شنیده نمی‌شود» (Sandercock, 1997: 110).

جمع‌بندی نظریه‌های شهری معطوف به عدالت

در پاسخ به پرسش اول مقاله در ادامه، نظریه‌های شهری معطوف به عدالت در قالب جدولی که دربردارنده ابعاد اصلی و معیارهای شهر عادلانه از دید نظریه‌پردازان مختلف است با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

1. Leonie Sandercock

2. The pleasures of anonymity

3. Towards Cosmopolis

4. Marginality

جدول ۱. مقایسه نظریه‌های شهری معطوف به عدالت

ابعاد شهر عادلانه	معیارهای شهر عادلانه	نظریه پرداز / مکتب فکری
برابری	دسترسی به خوراک	هاروی
	دسترسی به مسکن مناسب	هاروی
	دسترسی به تحصیلات و آموزش	هاروی
	دسترسی به کالاهای مصرفی	هاروی
	دسترسی به امکانات تفریحی	هاروی
	دسترسی به حمل و نقل عمومی	هاروی / فاینستاین
مردم‌سالاری	بازتوزیع درآمد	هاروی / فاینستاین
	سازوکارهای نهادی عادلانه	هاروی
	مصلحت عمومی	هاروی / فایده‌گرایی (جرمی بنتام و جان استوارت میل)
	مشارکت شهروندان	فاینستاین / لوفور / یانگ
تنوع	همه‌شمولی	یانگ / سندراکاک
	استحقاق	هاروی
	حفظ تنوع زیستی و محیط‌زیست	فریدمن
	ناهمگونی طبقاتی	فاینستاین / سندراکاک
	ناهمگونی قومی و نژادی و مذهبی	فاینستاین / سندراکاک / لوفور

منظومه عدالت در اندیشه اسلامی

عدالت نقشی محوری در آموزه‌های اسلامی دارد. آیات متعددی در قرآن کریم و نیز احادیث و روایات متقنی از پیامبر و معصومین در این رابطه وجود دارد که مبین اهمیت و جایگاه این موضوع در اسلام است. گستردگی توصیه‌های مرتبط با ضرورت اجرا و نحوه اجرای عدالت در اسلام چنان است که برای توصیف آن‌ها در اینجا از واژه منظومه استفاده شده است. به نظر نگارنده منظومه عدالت در ۴ بخش به قرار زیر قابل ارائه است: ۱. اهمیت عدالت در اسلام؛ ۲. عدالت در ارتباط با خدا؛ ۳. عدالت در ارتباط با سایر انسان‌ها؛ ۴. عدالت در ارتباط با محیط. در ادامه در قالب عناوین فوق، بخشی از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی با تأکید بر آیات قرآن و احادیث نبوی ذکر شده و سپس ابعاد و معیارهای جامعه و شهر عادلانه که مستخرج از آموزه‌های مذکور است ارائه می‌گردد. طبیعی است بسیاری از موارد به طور مستقیم به شهر اشاره ندارد و ناظر بر روابط بین انسان‌ها و روابط با جهان و محیط زندگی است. با این حال می‌توان معیارها و ضوابطی برای برنامه‌ریزی و آبادانی شهرها از آن استنباط نمود.

اهمیت عدالت در اسلام

عدالت در آموزه‌های اسلامی اساس اداره جامعه و شکل‌دهی به آن تلقی شده است. آیات و روایات زیادی در این خصوص در دست است که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌شود. در قرآن کریم واژگان مختلفی مانند «عدل»، «قسط» و «میزان» بر عدالت دلالت دارند که معادل‌های فارسی مختلفی از جمله عدالت، دادگری و انصاف برای آن‌ها ارائه شده است. تمامی این مفاهیم به نوعی به ابعاد مختلف عدالت در آموزه‌های اسلامی اشاره دارند:

- سوره حدید، آیه ۲۵: و با ایشان (پیامبران) کتاب و میزان (ترازو) فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.^۱
- پیامبر اسلام: بر پایه عدالت، آسمان‌ها و زمین برپا است^۲ (تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۰۷ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۵۱).
- امام علی(ع): فضیلت چهار نوع است: نخست حکمت (و دانایی) است و قوام آن به اندیشه بستگی دارد. ... چهارم عدل است و قوام آن در اعتدال (و تعادل یابی) قوای نفس نهفته است^۳ (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۱ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۴۸-۴۴۹).
- امام علی(ع): عدالت، شالوده‌ای است که جهان بر آن استوار است^۴ (مطالب السؤول به نقل از ری‌شهری، ۱۳۷۷: ۳۴۹۲).
- فرد نکته‌سنجی از امیرالمؤمنین علی(ع) سؤال کرد: «بُهِمَا أَفْضَلُ؟ الْعَدْلُ أَمْ الْجُودُ؟» (نهج‌البلاغه حکمت ۴۳۷): کدام‌یک برتری دارد، عدل یا بخشندگی؟

در نگاه اول به نظر می‌رسد که بخشش از عدالت برتر است زیرا عدالت به مفهوم مراعات حقوق دیگران و تجاوز نکردن به حدود آن‌ها است، اما بخشندگی به معنای گذشت از حق خود و احسان به دیگری است؛ اما به رغم آنچه گفته شد، امیرالمؤمنین در پاسخ به آن فرد، به ۲ دلیل عدل را برتر از بخشش می‌داند:

۱. و أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ....

۲. النبی (ص): بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ...

۳. الامام علی (ع): الْفَضَائِلُ أَرْبَعَةٌ اجْتِنَاسٌ: أَحَدُهَا الْحِكْمَةُ وَ قَوَامُهَا فِي الْفِكْرَةِ؛ وَ الثَّانِي الْعِفَّةُ، وَ قَوَامُهَا فِي الشَّهْوَةِ؛ وَ الثَّلَاثُ الْقُوَّةُ وَ قَوَامُهَا فِي الْغَضَبِ؛ وَ الرَّابِعُ الْعَدْلُ، وَ قَوَامُهُ فِي اعْتِدَالِ قُوَى النَّفْسِ.

۴. الامام علی (ع): الْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قَوَامُ الْعَالَمِ...

۱. «العدلُ يَصْعُقُ الامورَ مواضعِها و التجوُّدُ يُخْرِجُها مِن جهتها»: عدل جریان‌ها را در مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد اما بخشش، آن‌ها را از مجرای خود خارج می‌سازد.

در واقع مفهوم عدالت این است که استحقاق‌های طبیعی و واقعی افراد در نظر گرفته شود و به هرکس مطابق استعداد و لیاقتش، مسؤولیت و امکانات داده شود. درست است که بخشش از نگاه شخص بخشنده که دارای مشروع خود را به دیگری واگذار می‌کند، فوق‌العاده باارزش است، درعین‌حال باید توجه داشت که جریانی غیرطبیعی و به‌سان بدنی است که عضوی از آن بیمار است و سایر اعضا برای نجات آن می‌کوشند (بزدانی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

۲. «العدلُ ساءٌ عامٌّ والجوُّدُ عارضٌ خاصٌّ»: عدالت، رویه و قانونی همه‌شمول است ولی بخشندگی عملی استثنا و خاص است. اگر بخشندگی عمومیت پیدا کند، دیگر بخشش نیست. سپس امیرالمؤمنین نتیجه می‌گیرد که: «فالعدلُ أشرُّها و أفضلُهما».

عدالت در ارتباط با خدا

عدالت آن‌چنان جایگاهی دارد که خداوند درخصوص ارتباط بنده با خود نیز امر به حفظ اعتدال می‌کند. روایت‌های زیر نشانگر این موضوع است.

- پیامبر اسلام(ص): ای اباذر! دو رکعت کوتاه که با تفکر (و حضور قلب) خوانده شود بهتر است از یک شب تا صبح نماز خواندن بی حضور قلب^۱ (بحارالانوار، ج ۷۷: ص ۸۴ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۹۷).
- امام علی(ع): در عبادت میانه‌روی کن و به عبادتی که همواره می‌توانی انجام دهی بپرداز^۲ (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۴ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۹۹).
- امام علی(ع): عدل میزان خداست که آن را برای آفریدگان وضع کرده و برای برپاداشتن حق مقرر داشته است پس در رعایت میزان با خدا مخالفت نکن و در قلمرو حاکمیت خداوند به ستیزه‌گری مپرداز (غررالحکم، ۱۰۳ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۶۲).

۱. النَّبِيُّ (ص): يا اباذر! رَكَعَتانِ مُقْتَصِدَتانِ في تَفَكُّرٍ، خَيْرٌ مِنْ قِيامِ لَيْلَةٍ و الْقَلْبُ سَاهٌ...

۲. الامام علی (ع): و اِقْتَصِدْ في عِبادَتِكَ و عَلِيكَ فيها بِالْأَمْرِ الدائمِ الَّذِي تُطِيقُهُ...

عدالت در ارتباط با سایر انسان‌ها

عدالت پایه‌ای‌ترین اصل اسلام در روابط اجتماعی است. در اسلام بر هیچ ارزشی به اندازه عدالت درخصوص ارتباط با مردم تأکید نشده است؛ چه عدالت حاکم نسبت به مردم، چه عدالت مردم نسبت به حاکم و چه عدالت مردم نسبت به یکدیگر. طرفه آن که بر خلاف آنچه ممکن است در وهله اول به نظر آید، رعایت عدالت اجتماعی از نظر اسلام نه تنها درخصوص مسلمانان بلکه در مورد اهل کتاب و غیرمسلمانانی که در حال جنگ با اسلام نیستند نیز واجب است. باید توجه داشت که در طول قرون گذشته عملکرد ناصواب و تنگ‌نظرانه برخی حاکمان اسلامی ممکن است پذیرش عدالت درخصوص غیرمسلمانان را در نظر مخاطب امروز دشوار جلوه دهد، اما نباید از نظر دور داشت که ملاک قضاوت درباره اندیشه‌ها و آموزه‌های خالص و راستین اسلام، رهنمودهای قرآن کریم، سنت عملی پیامبر اسلام در دوره حکومت بر مدینه و سپس حجاز و دوره خلافت امام علی بن ابیطالب است. از این رو محک داوری درباره آموزه‌های اسلام، این دوره کوتاه تاریخی است و نه عملکرد خلفای بعد از ایشان و نیز حکومت‌های اسلامی در دوره معاصر. با توجه به گستردگی بحث عدالت اجتماعی در ادامه در قالب سرفصل‌های مختلفی این بحث پیش برده می‌شود.

برابری انسان‌ها

یکی از اصول اسلام اصل برابری انسان‌ها است. به موجب این اصل که از کرامت ذاتی هر شخص نشأت می‌گیرد هیچ انسانی فراتر و یا فروتر از دیگران آفریده نمی‌شود. به همین دلیل هیچ کس نمی‌تواند بدون دلیل بر دیگری حاکمیت داشته باشد. برابری حاکم با مردم در معیشت و عمل جلوه‌ای از برابری افراد در اسلام است. هیچ امتیازی برای حاکم و جود ندارد همچنان که هیچ مصونیتی در برابر قوانین برای وی نیست. در اسلام حکومت موروثی و براساس طبقه پذیرفته نشده و تنها افراد واجد صلاحیت می‌توانند به حکومت و دیگر مشاغل مهم برسند. با بررسی آیات قرآن چندین نوع برابری بین انسان‌ها قابل شناسایی است که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌گردد:

۱. برابری در ارتباط با خالق (روم، ۴۰)
۲. برابری در حکمت خلقت (ذاریات، ۵۶)
۳. برابری انسان‌ها در شایستگی دمیده شدن روح الهی در آن‌ها (سجده، ۹)

۴. برابری در کاشته شدن بذر معرفت در درون همه آن‌ها (بقره، ۳۱)
۵. برابری در کرامت ذاتی با کرامت اولی (اسراء، ۷۰)
۶. برابری در استعداد تحصیل کرامت ارزشی و اکتسابی (حجرات، ۱۳)
۷. برابری در مبدأ خلقت انسان‌ها (نساء، ۱)
۸. برابری در ماده اصلی خلقت (حجر، ۲۶)
۹. برابری در ماهیت و مختصات از جمله در عقل و وجدان (قیامت، ۲ و ۱۴ و ۱۵)
۱۰. برابری در برابر حقوق طبیعی و وضع قوانین لازم (مائده، ۸ و ۱۳۵)

در ادامه به برخی از مهم‌ترین آیات و احادیث در تصریح برابری میان انسان‌ها اشاره می‌گردد:

- سوره حجرات، آیه ۱۳: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را از تیره‌ها و قبایل [مختلف] قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید [این‌ها ملاک برتری نیست]. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماست. خداوند دانای آگاه است^۱ (ترجمه محمدمهدی فولادوند).
- سوره انعام، آیه ۹۸: او همان کسی است که شما را از یک تن پدید آورد^۲ (ترجمه فولادوند).
- امام صادق (ع): مردمان باهم مساوی‌اند، مانند دندان‌های شانه^۳ (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۱ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸: ب: ۶۳۴).
- امام صادق (ع): اصالت هرکس به عقل اوست و افتخار هرکس به دینش است و ارزش وی به تقوا است و مردمان در نسبت با آدم (ع) همه مساوی‌اند^۴ (بحار الانوار، ج ۷۸: ۲۰۲ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸: ب: ۶۳۷).
- امام رضا (ع): هرکس فقیر مسلمانی را ببیند و به او سلام کند درحالی‌که [این سلام] مانند سلام کردن به ثروتمند نباشد، در روز رستاخیز، خدای بزرگ بر او خشمگین باشد (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸: ب: ۶۴۳).

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

۲. و هو الذی أنشأکم من نفس واحد...

۳. الامام الصادق (ع): النَّاسُ سِوَاهُ كَأَسْنَانِ الْمِشْطِ...

۴. الامام الصادق (ع): أَسْلُ الرِّجْلِ عَقْلُهُ، وَ حَسْبُهُ دِينُهُ، وَ كَرَمُهُ تَقْوَاهُ وَ النَّاسُ فِي آدَمٍ مُسْتَوُونَ...

مردم‌سالاری

در حکومت حضرت علی توجهی خاص به توده مردم و خواست و اراده آن‌ها شده است. اساساً حضرت، به دست گرفتن حکومت را نیز مشروط به اراده و خواست مردم دانسته است.

- امام علی(ع): اگر آن اجتماع عظیم نبود و اگر تمام شدن حجت و بسته شدن راه عذر بر من نبود و اگر پیمان خدا از دانشمندان نبود که در مقابل ستم ساکت ننشینند، همانا افسار خلافت را روی شان‌اش می‌انداختم و مانند روز اول کنار می‌نشستم^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۳).
- حضرت علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: بهترین چیزی که موجب سرافرازی و چشم‌روشنی والیان می‌شود، آن است که در همه‌جا عدالت حکم‌فرما باشد و مردم مهر خود را نسبت به والی آشکار سازند. خیرخواهی مردم وقتی ثابت می‌شود که گرد والی را بگیرند و او را از گزند محافظت کنند نه این که فرمانروایی او را بر خود سنگین شمارند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

احترام به مردم و حفظ کرامت انسان‌ها

در سیره حکومت پیامبر اسلام و حضرت علی، انسان دارای کرامت و ارزش مردم از هر گروه و قبیله‌ای باشند. کارگزاران خود توصیه می‌نمودند که حافظ کرامت و ارزش مردم از هر گروه و قبیله‌ای باشند.

- پیامبر(ص) به روایت امام صادق(ع): مردمان خانواده خدایند و گرمی‌ترین مردم نزد خدا کسی است که بیشتر به خانواده خدا سود رساند^۲ (کافی، ج ۲، ص ۱۶۴ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ ب: ۶۳۲).

- علی(ع) در فراز دیگری از نامه به مالک می‌فرماید: باید دلت از رحمت و محبت مردم مالا مال باشد و لطف و دوستی نسبت به آنان روا داری و نباید همچون جانور درنده‌خو آنان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو صفت هستند: گروهی برادر دینی تو هستند و دسته‌ای اگرچه مسلمان نیستند، اما مثل تو انسان هستند و انسان محترم است^۳ (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

^۱ لولا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما أخذ الله على العلماء ألا يُقاروا على كِبْطَة ظالم ... و لَسَقَيْتُ أَخْرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا...

^۲ النَّبِيُّ (ص): فِيمَا رَوَاهُ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (ع): الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ...

^۳ وَ أَسْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَ الْمُحِبَّةَ لَهُمْ وَ الْأُطْفَافَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَانْهَمُّ صَفَانَ: إِمَّا لَكَ فِي الدِّينِ، أَوْ نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ.

- امام علی(ع) در سیره خود هرگز حاضر نمی‌شد احدی تحقیر شود، اجازه نمی‌داد کسی پیاده در رکابش حرکت کند و این را توهین به کرامت انسانی می‌دانست (نهج البلاغه، کلام ۳۷).

سفارش به رفتار عادلانه با دشمن حتی در هنگام خشم

سوره مائده آیه ۸: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا قیام کنید و به عدل گواهی دهید و دشمنی با یک گروه و ادارتان نکنند که عدالت نورزید. عدالت ورزید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا کنید.^۱

صفات عادل‌ترین مردم

- پیامبر اسلام: هر که با مردم چنان رفتار کند که دوست دارد آنان با او رفتار کنند، عادل است^۲ (تحف العقول به نقل از ری شهری، ۱۳۷۷: ص ۳۵۰۱، حدیث شماره ۱۲۰۰۴).
- امام علی(ع): سیاست دادگری سه چیز است: نرمی توأم با دوراندیشی، سخت‌گیری در عدالت و احسان همراه با میانه‌روی^۳ (غررالحکم به نقل از ری شهری، ۱۳۷۷: ۳۴۹۴).
- امام صادق(ع): سه چیز است که هر کس داشته باشد، چهار وظیفه را نسبت به او بر مردم واجب گردانند. کسی که هرگاه با مردم سخن گوید به ایشان دروغ نگوید و هرگاه با آنان بیامیزد در حقشان ستم نکند، واجب است که عدالت او در میان مردم آشکار شود و مروّتش در میان آنان هویدا گردد و برادری‌اش بر آن‌ها لازم آید (کنزالفوائد، ج ۲، ص ۱۶۲ به نقل از ری شهری، ۱۳۷۷: ص ۳۵۰۱ حدیث شماره ۱۲۰۰۳).
- امام علی(ع): عادل‌ترین مردم کسی است که در عین داشتن قدرت، انصاف داشته باشد (غررالحکم: ۳۴۴۲ به نقل از ری شهری، ۱۳۷۷: ص ۳۵۰۳، حدیث شماره ۱۲۰۱۴).
- امام علی(ع): عادل‌ترین مردم آن است که با کسی که به او ستم کرده به عدالت رفتار کند و ظالم‌ترین مردم آن است که با کسی که با او به عدالت رفتار کرده، ستم روا دارد^۴ (غررالحکم به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۴۵).

۱. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَجْرِمُنَّكُمْ شَأْنُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا إِذْ لَوْ كُنْتُمْ لِلتَّقْوَىٰ...

۲. مَنْ صَاحَبَ النَّاسَ بِالذِّي يُحِبُّ أَنْ يُصَاحَبَهُ كَانُ عَدْلًا...

۳. سِيَّاسَةُ الْعَدْلِ ثَلَاثٌ: لِينٌ فِي حَزْمٍ، وَ اسْتِقْصَاءٌ فِي عَدْلِ، وَ إِفْضَالٌ فِي قَصْدٍ...

۴. الامام علی (ع): أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ أَنْصَفَ مِنْ ظَلَمِهِ. اجور الناس من ظلم من انصفه...

- رعایت اصل عدالت برای همه
- سوره ممتحنه آیه ۸: خدا شما را از کسانی که در راه دین با شما نجنگیده‌اند و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست دارد^۱ (ترجمه فولادوند).
- توصیه امام علی(ع) به فرزندش امام حسین: فرزندم تو را به رفتار عادلانه با دوست و دشمن سفارش می‌کنم (تحف‌العقول به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۰۰).
- امام سجاد(ع): حق اهل ذمه (غیرمسلمانان در جامعه اسلامی) این است که با آنان رفتاری خدایسندانه داشته باشی یعنی هر حقی که خداوند برای آنان قرار داده است رعایت کنی و هرگاه میان تو و ایشان دادوستدی صورت گرفت، به آنچه خدا درباره خودت دستور داده است با آنان رفتار کنی (تحف‌العقول، به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۰۱).
- برابری مسلمان و غیرمسلمان در برابر قانون
- پیامبر(ص): هر کس به زبان مسلمان یا غیرمسلمان (اهل ذمه) یا فردی از افراد جامعه، شهادت دروغ بدهد، در روز رستاخیز با زبانش آویخته می‌شود و او با منافقان است در پایین‌ترین جایگاه‌های دوزخ (بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۱۰ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۰۴).
- امام علی(ع): بر مسلمانی که با زنی مسیحی زنا کرده، حد جاری کن و زن مسیحی را نزد مسیحیان بفرست تا هر طور خواهند درباره او حکم کنند (وسائل‌الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۱۵ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۰۵).
- امام باقر(ع): اگر یهودی با تو همنشینی کرد، رفتاری خوب با او داشته باش (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۸ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۱۰).
- امام حسین(ع): نیکی کردن در حق مردم باید مانند باران ژاله‌بار باشد، یعنی هم در حق نیکان انجام شود و هم در حق بدان (تحف‌العقول به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۱۷).

^۱ لا ینهاکمُ اللهُ عَنِ الَّذِینَ لَمْ یُقَاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُمْ مِنْ دِیَارِکُمْ اَنْ تَبْرُوهُمْ وَ تَقْسِطُوا لِیَهُمْ اِنَّ اللهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِینَ.

• امام کاظم(ع): ای هشام! فرموده خداوند «آیا پاداش نیکی جز نیکی است» درباره مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار صادق است. برای هرکس کار نیکی انجام دادند، باید آن را پاداش دهد. پاداش به این معنا نیست که چون او کاری انجام دهی بلکه باید کار برتری انجام دهی. اگر کاری مثل او انجام دهی، او از تو برتر است چون آغازگر بوده است (تحف العقول، ص ۲۹۱-۲۹۲ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۱۷-۴۱۸).

• امانت‌داری نسبت به همه انسان‌ها

• سوره نساء آیه ۵۸: خدا به شما فرمان می‌دهد که هر امانتی را به صاحبان آن‌ها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. این نیکو پندی است که خدا شما را پند می‌دهد. خدا شنوا و بیناست^۱ (ترجمه فولادوند).

• امام باقر(ع): سه چیز را خداوند بزرگ اجازه نداده است: سرباز زدن از امانت‌داری نسبت به نیکوکار و بدکار، وفای به پیمان نسبت به نیکوکار و بدکار و نیکی نسبت به پدر و مادر، چه نیکوکار باشد و چه بدکار. (کافی، ج ۲، ص ۱۶۲ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۱۹)

• امام صادق(ع): اگر قاتل علی(ع) که او را با شمشیر کشته است، به من امانتی سپارد و من را خیرخواه خود بداند و من از او پذیرفته باشم، امانتش را به او بازمی‌گردانم. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۲۳ به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸ الف: ۴۱۹)

عدالت در ارتباط با محیط

در ارتباط با اهمیت زمین، گیاهان و حیوانات و ضرورت حفظ محیط‌زیست و رفتار نیکو با تمامی جانداران (حیوانات و گیاهان) آیات و روایت‌های متعددی ذکر شده که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌گردد.

• سوره طه آیه ۵۳: [خدایی] که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت و برای شما در آن راه‌ها ترسیم کرد ...^۲ (ترجمه فولادوند).

^۱. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا.
^۲. الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَّكَ لَكُمُ فِيهَا سُبُلًا...

- سوره هود آیه ۶۱: او شما را از زمین پدید آورد و از شما آباد کردن آن را خواست^۱ (ترجمه فولادوند).
- سوره نحل، آیه ۱۰ و ۱۱: خداوند از آسمان برای شما باران فرستاد که از آن می‌نوشید و رشد درختان و گیاهان از آن است که چارپایان را می‌چرانید. خداوند با آن آب برای شما کشتزار و زیتون و خرما و انگور و از هرگونه میوه‌ای رویاند. در این کار نشانه‌ای از آیات خداوند است، در نظر مردمی که فکر می‌کنند.^۲
- امام صادق(ع): سکونت در هر جا همراه آسایش نیست مگر سه چیز باشد: هوای پاک، آب فراوان و زمین نرم (تحف‌العقول به نقل از حکیمی و دیگران، ۱۳۸۸: ب: ۲۴۲).
- امام صادق(ع): پیامبر هرگاه می‌خواست لشکری را به جایی گسیل کند، آنان را فرامی‌خواند و پیش روی خود می‌نشانند و به آنان می‌گفت: «به نام خدا حرکت کنید ... پیر فرسوده و کودک را نکشید ... درختی را نبرید و خانه‌ای را ویران نکنید» (کافی، ج ۵، ص ۲۷).
- پیامبر (ص): پنج تن هستند که در گور خود خفته‌اند و پاداش آنان همواره در دیوان اعمالشان ثبت می‌شود: یکی آن که نخلی بکارد، یکی آن که چاهی حفر کند ... (مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۹).
- امام صادق(ع): نخل را نسوزانید، درخت میوه‌ای را نبرید و زراعتی را نسوزانید ... (کافی، ج ۵، ص ۲۹).

ویژگی‌های شهر برتر

- امنیت: آرامش و آسایش؛ خدای متعال می‌فرماید: «و این شهر امن»،^۳ «پروردگارا این شهر را ایمن گردان».^۴
- تأمین معیشت مردم: آدمی در شهر برتر از نظر اسلام از امکانات مادی زندگی بهره‌مند است و فرصت پیشرفت اقتصادی می‌یابد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و مردمش را از فرآورده‌های

^۱. هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ...

^۲. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ * بُيُوتٌ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعُ وَالزَّيْتُونُ وَالتَّخْلِيلُ وَالْأَعْنَابُ وَمِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

^۳. سوره تین آیه ۳: «و هذا البلد الامين»

^۴. سوره ابراهيم آیه ۳۵: «رب اجعل هذا البلد آمنا»

روزی بخش بهره‌مند کردیم»^۱ و «محصولات هرچیزی که رزقی از جانب ماست به سوی آن سرازیر می‌شود»^۲ (عاملی، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۹).

- سرپرستی پرهیزگاران: اداره و مدیریت شهر برتر از دیدگاه اسلامی بر عهده پرهیزگاران و دین‌داران مخلص است. خدای متعال درباره اداره حرم شریف مکه می‌فرماید: «چرا خدا [در آخرت] عذابشان نکند با این که آنان [مردم را] از [زیارت] مسجدالحرام بازمی‌دارند درحالی که آنان سرپرست آن نباشند، زیرا که سرپرست آن جز پرهیزگاران نیستند، ولی بیشترشان نمی‌دانند»^۳.

جمع‌بندی آرای مربوط به شهر عادلانه در آموزه‌های اسلامی

در پاسخ به پرسش دوم مقاله، ابعاد و معیارهای مرتبط با شهر و جامعه‌ای عادلانه به همراه مستندات پشتیبان آن ذکر می‌شود که از آموزه‌های اسلامی استخراج گردیده است.

جدول ۱. معیارهای شهر عادلانه در آموزه‌های اسلامی به همراه استنادات

ابعاد شهر عادلانه	معیارهای شهر عادلانه	مستندات پشتیبان در آموزه‌های اسلامی
عدالت در ارتباط با خدا	اعتدال در عبادت	پیامبر (بحار، ج ۷۷)، امام علی (بحار، ج ۷۸)، امام علی (غررالحکم)
عدالت در ارتباط با سایر انسان‌ها	برابری انسان‌ها مردم‌سالاری حفظ کرامت انسان‌ها	روم ۴۰، سجده ۹، بقره ۳۱، اسرا ۷۰، حجرات ۱۳، نساء ۱، حجر ۲۶، قیامت ۲ و ۱۴ و ۱۵، مائده ۸ و ۱۳۵، انعام ۹۸ امام علی (نهج‌البلاغه، خطبه ۳) امام علی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) پیامبر (کافی، ج ۲)، امام علی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳ و کلام ۳۷) مائده ۸ امام علی (غررالحکم)
	رفتار عادلانه با دشمن انصاف در عین داشتن قدرت	

^۱ .سوره بقره آیه ۱۲۶: «و ارزق اهلہ من الثمرات»

^۲ .سوره قصص آیه ۵۷: «یحیی الیہ ثمرات کل شیء رزقا من لدنا»

^۳ .سوره انفال آیه ۳۴: «و ما لهم الا یعذبهم الله و هم یصدون عن مسجد الحرام و ما كانوا اولیاءه ان اولیاءه الا المتقون ...»

ممتحنه ۸، امام علی (تحف‌العقول)، امام سجاد (تحف‌العقول)	همه‌شمولی عدالت
پیامبر (بحار ج ۱۰۴)، امام علی (وسائل‌الشیعه)، امام باقر (بحار، ج ۷۸)، امام حسین (تحف‌العقول)، امام کاظم (تحف‌العقول)	برابری مسلمان و غیرمسلمان
نساء ۵۸، امام باقر (کافی)، امام صادق (وسائل‌الشیعه)	امانت‌داری نسبت به همه
طه ۵۳، هود ۶۱	اهمیت حفظ و احترام به زمین
نحل ۱۰ و ۱۱	اهمیت آب و حفاظت از آن
نحل ۱۰ و ۱۱، پیامبر (مستدرک‌الوسائل)، امام صادق (کافی، ج ۵)	اهمیت گیاهان و درختان
تین ۳، ابراهیم ۳۵	شهر امن و با آرامش
بقره ۱۲۶، قصص ۵۷	تأمین معیشت مردم
انفال ۳۴	سرپرستی پرهیزگاران
	عدالت در ارتباط با محیط

نتیجه‌گیری

پرسش‌های اول و دوم تحقیق به ترتیب در انتهای بخش‌های ۲ و ۳ مقاله که به جمع‌بندی دیدگاه‌های شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی می‌پردازد، پاسخ داده شد. در پایان برای پاسخگویی به پرسش سوم تحقیق، به مقایسه نگاه به شهر عادلانه از دیدگاه نظریه‌های شهرسازی و منظر آموزه‌های اسلامی خواهیم پرداخت.

هرچند معیارهای شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و نیز در اندیشه اسلامی می‌تواند بسیار فراتر از مطالب بیان‌شده در اینجا باشد، اما با توجه به آن که تلاش گردیده است هم در کاوش متون مرتبط با نظریه‌های شهرسازی و هم در مطالعه اصلی‌ترین منابع اسلامی، دقت و شمول کافی مبذول گردد، در این مجال براساس هر آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است مقایسه صورت می‌پذیرد. با نتایجی که از مطالعه نظریه‌های شهرسازی و متون اسلامی به دست آمد و به ترتیب در بخش‌های ۲-۵ و ۳-۵ منعکس شد، معیارهای مشخصی برای شهر عادلانه بیان گردید که در قالب جدول زیر کلیه معیارهای اصلی قید و

موضوع گیری هریک از دو نحله فکری (نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی) در ارتباط با آن مشخص شده است. موضع تأییدی هریک از دو نحله با پررنگ کردن خانه مربوط به آن معیار نشان داده شده است و در ستون بعدی نیز نظریه‌پردازان پشتیبان این معیار درخصوص نظریه‌های شهرسازی نام برده شده و در خصوص آموزه‌های اسلامی نیز آیات پشتیبان آن معیار ذکر شده است. رنگ نشدن خانه مربوط به هر معیار در هریک از دو نحله فکری به معنای موضع خنثی یا عدم تأیید آن معیار از طرف آن نحله فکری است. به دلیل وفور احادیث و روایات پشتیبان، در بخش آموزه‌های اسلامی به ذکر آیات قرآنی که از معیار خاصی حمایت می‌کنند بسنده شده است.

همان‌گونه که از جدول تطبیقی فوق قابل استنباط است، آموزه‌های اسلامی تقریباً تمامی معیارهای شهر عادلانه از دید نظریه‌های شهرسازی مورد نظر این مقاله را پوشش می‌دهد. تنها اختلاف در معیارهای «استحقاق»، «مصلحت عمومی» و «سازوکارهای نهادی» است که البته در کلیت آموزه‌های اسلامی، از این معیارها نیز با عناوین دیگری مانند «حکومت صالحان» و مانند آن‌ها نام برده شده است. با این حال معیارهای «اعتدال در عبادت» (که ناظر بر بعد عدالت در ارتباط با خدا می‌باشد)، حفظ کرامت انسان، امانت‌داری نسبت به همه، سرپرستی پرهیزگاران و شهر امن و با آرامش از معیارهایی است که در آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید شده اما در نظریه‌های شهرسازی مفقود است.

معیارهای مشترک عبارت‌اند از:

- لزوم برخورداری مردم از معیشت مناسب و امکانات رفاه مادی
- لزوم مشارکت مردم در اداره امور جامعه
- یکسان بودن همه در برابر قانون
- همه‌شمولی: به معنای گستردگی چتر عدالت بر سر همه مردم فارغ از قومیت، نژاد، طبقه اجتماعی و حتی مذهب
- ضرورت حفظ محیط‌زیست و تنوع زیستی

جدول ۱. مطالعه تطبیقی معیارهای شهر عادلانه در نظریه‌های شهرسازی و آموزه‌های اسلامی

آیات پشتیبان	تعبیر اسلامی متفاوت	آموزه‌های اسلامی	ارای پشتیبان	نظریه‌های شهرسازی
نقره ۱۲۶ قصص ۵۷	تأمین معیشت مردم		هاروی / فایستاین	داشتن معیشت مناسب (خوراک، مسکن، آموزش و ...)
مائده ۱۲۵	برابری اقتصادی		هاروی / فایستاین	بازتوزیع درآمد
			هاروی	سازوکارهای نهادی عادلانه
			هاروی / فایده گرایی	مصلحت عمومی
			فایستاین / لوفور / بلگ	مشارکت عمومی
			یانگی / سنتر کاک	جهت‌سوی
			هاروی	استحقاق
نحل ۱۰ طه ۵۳ هود ۶۱	حفظ حرمت زمین، گیاهان و حیوانات		فایستاین / سنتر کاک	تنوع زیستی و حفاظت از محیط‌زیست
			فریمن	ناهمگونی طبقاتی
			فایستاین / سنتر کاک	ناهمگونی قومی - نژادی - مذهبی
مائده ۸	برابری مسلمان و غیرمسلمان		فایستاین / سنتر کاک	اعتدال در عبادت
				حفظ حرمت انسان‌ها
				امانت‌داری نسبت به دوست و دشمن
				سرپرستی پرهیزگاران
انفال ۳۴ تین ۲ ابراھیم ۲۵				شهر امن و با آرامش

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: انتشارات دارالقرآن کریم، ۱۳۷۷.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی، علی حکیمی. الحیات، جلد هفتم، قم: ۱۳۸۸ انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۸ الف.
۴. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی، علی حکیمی. (۱۳۸۸ ب)، الحیات، جلد هشتم، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۸ ب.
۵. رضی، شریف، نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: انتشارات ولی عصر، ۱۳۸۱.
۶. ری شهری، محمد. میزان الحکمه، ویرایش سوم، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۷.
۷. عاملی، جعفر مرتضی. شهر اسلامی، مشهد: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری مشهد، ۱۳۸۸.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۶.
۹. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار، بیروت: مؤسسه وفا، ۱۴۰۳ق.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۱۱. هاروی، دیوید. عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه: فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی زاده، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۶.
۱۲. یزدانی، عباس. مؤلفه‌های نظام سیاسی - اجتماعی اسلام از دیدگاه نهج البلاغه، مجله علمی - ترویجی تحقیقات اسلامی، سال بیستم، شماره ۲، تهران، پاییز ۱۳۸۸.
13. Anderson, M., 1964, The Federal Bulldozer; A Critical Analysis of Urban Renewal, 1949-1962, Cambridge: MIT Press.
14. Cardoso, Ricardo and Isabel Breda-Va'zquez, 2007, Social Justice as a Guide to Planning Theory and Practice: Analyzing the Portuguese Planning System, International Journal of Urban and Regional Research, Volume 31.2.
15. Davidoff, P. and Reiner, T., 1962, A Choice theory planning, Journal of the American Institute of Planners, 28: 103-115.
16. Fainstein, Susan S., 2000, New directions in Planning theory, Urban affairs review, Vol. 35, No. 4, March 2000, 451-478.
17. Fainstein, Susan S., 2005, Cities and diversity: Should we want it? Can we plan for it? Urban affairs review, Vol. 41, No. 1, P 3-19.
18. Fainstein, Susan S., 2009, Planning and the Just City, in Searching for the Just City, edited by Peter Marcuse, James Connolly, Johannes Novy, Ingrid Olivo, Cuz Potter and Justin Steil, Routledge, New York.
19. Fainstein, Susan S., 2010, The Just City, Cornell University Press,

- Ithaca and London.
20. Florida, Richard L., 2002, *The Rise of the Creative Class*, Basic Books, New York.
 21. Friedmann, John., 2002, *The Prospect of Cities*, University of Minnesota Press, Minneapolis.
 22. Fullilove, Mindy Thompson, 2004, *Root Shock*, Ballantine, New York.
 23. Gans, H.J., 1968, *People and plans*, New York: Basic Books.
 24. Harvey, D., 1978, Planning the ideology of planning, in R. Burchell and G. Sternlieb (eds), *Planning Theory in the 1980s*, New Brunswick, NJ: Rutgers University Center for Urban Policy Research, pp. 213-234.
 25. Harvey, D., 1996, *Justice, Nature and the Geography of Difference*, Oxford: Blackwell.
 26. Harvey, D., 1973, *Social justice and the city*, Edward Arnold, London.
 27. Hayek, F.A. von., 1944, *The Road to Serfdom*, Chicago, University of Chicago Press.
 28. Klosterman, R., 1985, Arguments for and against planning, *Town Planning Review*, 56: 5-20.
 29. Lefebvre, Henri, 1991, *The production of space*, Oxford, UK: Blackwell.
 30. Lefebvre, Henri, 1993, The right to the city, in Ockman, J. (ed.) *Architecture Culture 1943-1968: A Documentary Anthology*, New York Rizzoli.
 31. Purcell, Mark, 2008, *Recapturing Democracy*, Rutledge, New York.
 32. Rawls, John, 1971, *A Theory of Justice*, 1st ed., Harvard University Press, Cambridge.
 33. Sandercock, Leonie, 1997, *Towards cosmopolis*, New York: John Wiley.
 34. Sandercock, Leonie, 1998, *Towards Cosmopolis: Planning for Multicultural Cities*, John Wiley, New York.
 35. Sandercock, Leonie, 2003, *Cosmopolis II: Mongrel Cities in the 21st Century*, Continuum, London.
 36. Thomas, J.M., 1996, Educating planners: unified diversity for social action, *Journal of Planning Education and Research*, 15: 171-182.
 37. Yiftachel, O., 1998, Planning and social control: exploring the dark side, *Journal of Planning Literature*, 12: 395-406.